

خواجہ عبداللہ انصاری

# مناجات نامہ

بہ کوشش: علیرضا خالقی

۱۳۸۴

## پیش‌گفتار

سخن گفتن دربارهٔ سرگذشت و زندگی خواجه عبدالله انصاری که دارای شخصیت چندوجهی است کارِ چندان آسانی نیست. چه او هم عارف است و هم متعصب به دین و هم مفسر قرآن. بیش از ۵۰ سال از عمر خود تفسیر قرآن گفت، اما هرگز به پایان نرسید.

خواجه عبدالله به تاریخ دوم شعبان سال ۳۹۶ هجری قمری برابر چهارم ماه می ۱۰۰۶ میلادی -مقارن نیمهٔ ماه ثور ۳۸۵ هجری شمسی در قهندز، یعنی حصار قدیم شهر هرات در وقت بهار دیده به جهان گشود.

پدرش ابومنصور محمد نام داشت و جدّ دهم وی هم ابویوب خالد ابن زید خزرچی از صحابه بزرگ پیامبر اسلام بود، همو که پیامبر در زمان هجرت از مکه به مدینه در خانه وی مورد پذیرایی اش قرار گرفت.

ابویوب در زمان خلافت عثمان خلیفه سوم همراه فاتحان عرب به خراسان هجرت کرده و در بلخ جایگزین شده بود.

در روزگار خواجه عبدالله شهر هرات چون بر سر چهارراه بزرگ خراسان قرار داشت، هر روز شاهد آمد و شد عرفا و شعرا و محدّثان و فقها و اهل دین و بیش از همه صوفیان بود که از اکناف و بلاد دوردست

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على خير خلقه  
محمد وآله اجمعين

ای کریمی که بخشنده عطایی و ای حکیمی که پوشنده خطایی و  
ای صمدی که از ادارک خلق جدایی و ای احدی که در ذات و  
صفات بی‌همتایی و ای خالق که راهنمایی و ای قادری که خدایی  
را سزایی. جان ما را صفای خود ده و دل ما را هوای خود ده و  
چشم ما را ضیای خود ده و ما را آن ده که ما را آن به و مگذار ما را  
یکه و مه.

الهی عبدالله عمر بکاست اما عذر نخواست.  
الهی عذر ما بپذیر بر عیبهای ما مگیر. به نام آن خدایی که نام او  
راحت روح است و پیغام او مفتاح فتوح است و سلام او در وقت